چهره هفته

دیپلمات آهنی

فرشاد محمودی

شخصی که در عکس بالا در حال تعارف کردن میوه است علی آهنی دیپلمات است. معمول نیست که دیپلمات های ایرانی به چهار ماموریت عالی خارج از کشور فرستاده شوند اما اوضاع درباره علی آهنی کمی فرق دارد. سفیر سابق ایران در مالت و ایتالیا که طی هفته آینده آخرین روزهای ماموریت اش را در بلژیک به پایان خواهد رساند سرانجام پس از ماه‌ها که دولت جمهوری فرانسه در تایید سفیر ایران تعلل کرد به عنوان سفیر تهران وارد پاریس خواهد شد. نزدیک ۹ ماه است که سفارت ایران در فرانسه سفیر ندارد. آن هم در روزهای مهم و سرنوشت سازی که ایران و اروپا درگیر پرونده اتمی هستند و سفرای بانفوذ نقش عمده‌ای در موفقیت دیپلماسی دارند صندلی سفیر ایران خالی بود. اینک علی آهنی که سه سال پیش معاون امور اروپا و آمریکای وزارت خارجه دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی بود به پاریس می رود. سفارت ایران در فرانسه در میان سفارتخانه‌های اروپایی جایگاه مهمی دارد. نه به این علت که این سفارت معمولاً مسئولیت هماهنگی سفارتخانه‌های اروپایی را برعهده دارد بلکه به این جهت که فرانسه جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی ایران طی ۸ سال گذشته داشته است. این کشور مبتکر مذاکرات اروپا با ایران بود که از تابستان ۱۳۸۲ آغاز شد و نقطه اوج آن سفر همزمان سه وزیر خارجه فرانسه، بریتانیا و آلمان به تهران بود. محمد خاتمی رئیس جمهور وقت ایران دومین سفر اروپایی خود را به مقصد پاریس انجام داد. میهمان مسلمان ژاک شیراک چنان برای رئیس جمهور فرانسه جذاب بود که وی سنت چندین ساله کاخ الیزه را در پذیرایی با شراب از میهمانان خارجی به احترام محمد خاتمی حذف کرد. یکی از دیپلمات های ایرانی تعریف می کرد که شیراک هنگام بدرقه خاتمی حتی از پله های کاخ الیزه تا اتومبیل حامل رئیس جمهور ایران پایین آمده و وی را در آغوش گرفته که یک اقدام نادر و مهم در پذیرایی از میهمانی خارجی بوده است. خاتمی یک بار دیگر در روزهای آخر ریاست جمهوری اش به پاریس رفت و در یک سفر غیررسمی در مقر سازمان علمی فرهنگی ملل متحد ـ یونسکو ـ درباره گفت وگوی تمدن ها سخنرانی کرد. گرچه شیراک در دعوت خاتمی به پاریس این بار نقشی نداشت اما به هنگام حضور آقای گفت وگوی تمدن ها در الیزه بساط تشریفاتی چیده شد و باز هم رئیس جمهور فرانسه خاتمی را در آغوش خود از پله های کاخ بالا برد و با وی هنگام صرف چای گفت وگو کرد. قرار بود که پس از این دیدار، شیراک عازم تهران شود اما این اتفاق هرگز رخ نداد. چند ماه پس از این واقعه با تغییر رئیس جمهور ایران سفرای ایران از کشورهای مختلف اروپایی و آسیایی عزل شدند و سفارتخانه ایران در پاریس هم به دست کاردار اداره شد. اتفاقی که در عرف دیپلماتیک معنای خوبی برای دولت میزبان ندارد. البته فرانسوی ها هم به اقدام ایران پاسخ دادند و آن هم تعلل در صدور ویزا برای سفیر جدید بود چنان که با وقت کشی پاریس و اصرار تهران بر سفیر پیشنهادی، وزارت خارجه ایران درصدد اعزام سرپرست برای سفارت پاریس برآمد. اما در آخرین روزهایی که قرار بود محمدحسین غدیری ابیانه برای سرپرستی سفارت به فرانسه برود ناگهان الیزه سفیر پیشنهادی ایران را تائید کرد. علی آهنی که اینک سفیر جدید ایران در پاریس شده است در سال‌های نخست انقلاب اسلامی دبیر سرویس اقتصادی روزنامه جمهوری اسلامی بود. آقای آهنی دکترای خود را نیز در رشته اقتصاد گرفته است. او مدتی در مذاکرات تکمیل رژیم حقوقی دریای خزر، نماینده ایران بود و پس از آن به معاونت وزارت خارجه رسید. آقای آهنی در دوره‌ای معاون اروپا و آمریکا بود که هنوز ماجرای پرونده اتمی ایران موضوع روز دیپلماسی جهان نشده و مذاکرات جامع تجاری ایران و اروپا در جریان بود اما با مطرح شدن پرونده اتمی در سطح جهانی مذاکرات جامع به حالت تعلیق درآمد و آهنی به عنوان سفیر در اتحادیه اروپا و بروکسل به بلژیک رفت. مدافعان آقای آهنی می گویند که او دیپلمات باتجربه‌ای است و در گسترش روابط ایران و اروپا می تواند موثر باشد. منتقدان وی نیز می گویند که هنگام دیدار غلامعلی حدادعادل از بلژیک که به بی حرمتی مقام‌های بلژیک با وی و هیات ایرانی منجر شد، سفیر ایران می توانست مانع باشد. به هر روی آهنی دیپلمات برای یک دوره سه ساله به پاریس می رود آن هم در روزهایی که کشورهای اروپایی منتظر پاسخ تهران به پیشنهاد کشورهای ۱+۵ بر سر پرونده اتمی ایران هستند. پیش از آقای آهنی حمیدرضا آصفی، علیرضا معیری و محمدصادق خرازی سفیر ایران در پاریس بوده‌اند. آقای آصفی اینک سخنگوی وزارت خارجه است، معیری سفیر ایران در سوئیس شده و خرازی در مرخصی طویل المدت به سر می برد. عکسی که ملاحظه می کنید مربوط به سه سال پیش است که علی آهنی معاون امور اروپا و آمریکای وزارت خارجه بود. او در حال تعارف کردن میوه به روزنامه نگاری است که برای مصاحبه به دفترش رفته بود.

افسانه شانگهای

محمدرضا سرداری

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی پیمان ورشو که تنها پیمان رقیب ائتلاف کشورهای آتلانتیک شمالی بود و گذشت قریب به ۱۶ سال یکه تازی ناتو در عرصه بین المللی، این بار ناتو رقیبی جدید یافته است. رقیبی که دیگر همانند پیمان ورشو ماهیتی ایدئولوژیک و جهانشمول ندارد بلکه بر پایه تقسیمات ژئوپولتیکی و منافع مشترک اقتصادی استوار است. شکل گیری پیمان شانگهای به شکل ایده‌آل خود شاید دلیل متقنی برای اثبات نظریه برخورد تمدن های ساموئل هانتینگتون نظریه پرداز شهیر آمریکایی روابط بین الملل باشد که اعتقاد دارد به زودی تمدن های کنفوسیوسی و اسلام با یکدیگر متحد خواهند شد و جبهه مقتدری را در مقابل تمدن غربی ایجاد خواهند کرد. سازمان شانگهای، ایران را نیز به عنوان عضو ناظر پذیرفته است. عضویت ایران در سازمانی امنیتی ـ اقتصادی که آینده روشنی را در انتظار دارد، ایرانی که سیاست خارجی خود را پس از انقلاب اسلامی همواره بر پایه نزدیکی و اتحاد با عدم تعهد و نگاه به شرق و دوری از غرب تنظیم کرده است، می تواند جذابیت های زیادی داشته باشد. اجلاس سران کشورهای عضو این سازمان قرار است ۲۵ خرداد در شانگهای پایتخت اقتصادی چین برگزار شود و از ایران نیز برای حضور در این اجلاس دعوت به عمل آمده است اما آیا ایران به عنوان عضو اصلی سازمان شانگهای پذیرفته می شود؟

■ ایران و عضویت در سازمان شانگهای

ایرانیان از دیرباز برای رهایی از استعمار اروپاییان و احیای دوباره قدرت خویش در آرزوی اتحادی بوده‌اند تا بتواند آنها را از گزند غرب در امان نگاه دارد. این سابقه تاریخی را می توان پشتوانه محکمی برای انگیزه ایران در عضویت در شانگهای دانست. منوچهر محمدی معاون وزیر خارجه ایران امیدوار است ایران تا تابستان آینده به عضویت پیمان شانگهای درآید. وی همچنین پیش بینی کرده که هند نیز همزمان با ایران به پیمان شانگهای بپیوندد و در این صورت می توان عضویت این دو کشور را نقطه عطفی در پیدایش این سازمان دانست. عضویت همزمان ایران و هند با توجه به پهناوری این دو کشور در منطقه از یک سو و قرار گرفتن پاکستان نیز در این پیمان که هم اکنون به عنوان عضو ناظر در این پیمان حضور دارد وضعیت پیمان شانگهای را به طور کلی دگرگون خواهد کرد. در این صورت می توان گفت که بیش از نیمی از آسیا و شاید نیمی از جمعیت جهان به عضویت سازمان شانگهای درخواهند آمد. از این منظر عضویت ایران در این پیمان می تواند به لحاظ امنیتی شرایط ایده‌آلی برای ایران مهیا کند و ایران برای نخستین بار در تاریخ خود به پیمانی تعهد می نماید که می تواند در راستای آن استقلال خود را نیز در مقابل اروپا و آمریکا حفظ کند. عضویت ایران در سازمان شانگهای در دستور کار اجلاس آینده سران این سازمان قرار دارد. اما همان گونه که سفیر ایران در قزاقستان پیش بینی کرده عضویت ایران در چنین پیمانی مستلزم پیمودن مراحل مختلفی است. از سوی دیگر برخی از اعضای موسس سازمان شانگهای که مخالف گسترش این پیمان هستند ممکن است با پیوستن اعضای جدید از جمله ایران مخالفت کنند. از جمله مخالفان احتمالی عضویت اعضای جدید در این پیمان ایران و کشورهای آسیای میانه هستند. این کشورها ممکن است از دو زاویه تمایلی به عضویت ایران در سازمان شانگهای نداشته باشند. نکته اول وزن کشورهایی است که در فهرست انتظار پیوستن به این پیمان هستند. ایران، هند و پاکستان که سه کشور قدرتمند در منطقه هستند در صورت پیوستن به شانگهای از اهمیت عضویت کشورهای آسیای میانه در این پیمان خواهند کاست. نکته دومی که برای اعضای این پیمان حائز اهمیت است گرایش کشورهای آسیای میانه به غرب است. این کشورها احساس می کنند با پیوستن اعضای جدید و قدرتمندی چون ایران، هند و پاکستان به پیمان شانگهای بر اهمیت این سازمان بیش از پیش افزوده خواهد شد و محدودیت های بیشتری را برای روابط این کشورها با غرب ایجاد خواهد کرد. از سوی دیگر این نگرانی برای کشورهای آسیای میانه وجود دارد که در صورت پذیرش اعضای جدید جهت گیری این سازمان که تاکنون بیشتر جنبه اقتصادی داشته است به سمت گرایش های سیاسی و امنیتی سوق یابد و روابط این کشورها با غرب را نیز در این زمینه ها تحت الشعاع قرار دهد. از همین رو است که وزیر امور خارجه تاجیکستان گفته است قید و شرط هایی در این باره که این سازمان باید تا چه حد گسترش یابد وجود دارد. وی می گوید: «ما فکر کردیم که نمی توانیم عضویتمان را بدون محدودیت هایی گسترش دهیم.» وی گرچه سخنی از محدودیت ها نگفته است اما این محدودیت ها چیزی جز نگرانی های مذکور از یک سو و نگرانی آمریکا از گسترش این پیمان و حساسیت این کشور از عضویت ایران در سازمان موصوف نیست. البته این تنها کشورهای آسیای میانه نیستند که با گسترش سریع این پیمان مخالفند بلکه بخشی از هیات حاکمه روسیه نیز مواضعی مشابه با این کشورها دارند. ایوانف وزیر دفاع روسیه اعلام کرده است هیچ طرحی برای گسترش سازمان همکاری شانگهای به منظور دربر گرفتن ایران وجود ندارد. ایوانف بحث عضویت ایران در پیمان شانگهای را با موضوع هسته ای ایران مرتبط دانسته و گفته است با توجه به شدت گرفتن موضوعات مربوط به ایران، چنین گزارش هایی ۱۰ بار در روز منتشر می شوند اما طرحی برای گسترده کردن سریع سازمان همکاری شانگهای وجود ندارد. به گفته وی بعید است این شورا در آینده نزدیک به طور جدی اعضایش را گسترش دهد. نگرانی روس ها از عضویت ایران و سایر کشورهای ناظر در این پیمان شاید تفاوتی با نگرانی های کشورهای آسیای میانه نداشته باشد و بیشتر بر این پایه استوار است که بخشی از جامعه روسیه چندان تمایلی ندارند تا این پیمان به عنوان یک پیمان امنیت دسته جمعی در آینده نزدیک شکل یابد. بخشی از هیات حاکمه روسیه که تمایلاتی غربی نیز دارند میل ندارند تا پیمان شانگهای با پذیرش اعضای جدید از مشرق زمین به شایعاتی دامن زند که روس ها و چینی ها آن را تکذیب کرده‌اند. شایعه‌ای که می خواهد پیمان شانگهای را در مقابل پیمان ناتو قرار دهد و جهانی دوقطبی بر پایه تقسیمات منطقه‌ای ایجاد کند. اما عضویت ایران در پیمان شانگهای مخالفان منطقه‌ای نیز دارد. بزرگترین مخالف عضویت ایران در سازمان همکاری های شانگهای ایالات متحده آمریکا است. این کشور بارها مخالفت خود را با عضویت ایران در این پیمان اعلام و از چین و روسیه به خاطر دعوت از ایران به عنوان عضو ناظر در این پیمان انتقاد کرده است. ریچارد بوچر که دستیار امور آسیای مرکزی و جنوبی وزارت امور خارجه آمریکا است گفته است که واشینگتن با پیوستن ایران به شورای همکاری شانگهای مخالف است. رامسفلد وزیر دفاع آمریکا نیز با تکرار ادعاهای گذشته خویش عضویت ایران در پیمان شانگهای را با اهداف این سازمان در مبارزه با تروریسم در تناقض خوانده است. گرچه دبیرکل سازمان شانگهای اتهامات رامسفلد را با قوت رد کرد. وی با اطمینان خاطر اعلام کرد: «اگر ما شواهد بی چون و چرایی داشتیم که کشوری حامی تروریست است، با قرارداد آن کشور به عنوان عضو ناظر موافقت نمی کردیم.» با این حال گرچه عضویت ایران در شانگهای امری جدی و رو به پیشرفت به نظر می رسد اما نمی توان اظهار داشت این پروسه در آینده نزدیک به دلیل مخالفت های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای امکان پذیر باشد. از سوی دیگر باید به این موضوع نیز پرداخت که آیا ایران با توجه به شرایط خاص ژئوپولتیک می تواند به طور کامل در تعهد یک پیمان امنیتی- اقتصادی به رهبری چین و روسیه قرار گیرد.

■ ایران و اهداف شانگهای

پیش از آنکه به نوع نگاه ایران به اهداف سازمان شانگهای بپردازیم جا دارد ابتدا نگاهی به اهداف این سازمان داشته باشیم. ژوئن سال ۲۰۰۱ سران شش کشور چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان در شانگهای ملاقات کردند و با امضای بیانیه ایجاد سازمان همکاری شانگهای «یک سازمان همکاری چندجانبه منطقه‌ای جدید بر پایه مکانیسم پنج کشور شانگهای» را اعلام کردند. اهداف این سازمان عبارت است از تقویت اعتماد متقابل و حسن همجواری و دوستی بین کشورهای عضو این سازمان، تشویق و ترغیب کشورهای عضو به همکاری های موثر در قلمروهای سیاسی، اقتصادی و تجاری، علمی و فنی، فرهنگی، آموزشی، انرژی، راه، حفظ محیط زیست و غیره، تلاش مشترک برای حفظ و تامین صلح و امنیت و ثبات جهان و منطقه، ایجاد نظم نوین بین المللی، سیاسی، اقتصادی، دموکراتیک، عادلانه و منصفانه. در کنار این اهداف کلی اهداف دیگری نیز از جمله مقابله با تروریسم، تجزیه طلبی و ایجاد یک سازمان امنیت دسته جمعی در این پیمان گنجانده شده است. کلیه این اهداف می تواند برای ایران جذاب باشد. اما شرایط ایران در منطقه ایجاب نمی کند که ایران به طور کامل در یک اردوگاه منطقه‌ای خود را محصور سازد. ایران به لحاظ منطقه‌ای همسایگانی در جنوب و غرب خود دارد که نه تنها به لحاظ جغرافیایی بلکه به لحاظ مذهبی نیز با آنها وجوهات مشترکی دارد. کشورهایی که البته تشکیلات مشابهی را براساس تقسیمات نژادی ایجاد کرده‌اند اما هیچ گاه در تعمیم آن موفق نبوده‌اند از سوی دیگر ایران تعلق خاطر به خاورمیانه دارد و محل تلاقی منافع شرق و غرب است، بنابراین نمی تواند به لحاظ استراتژیک تعهد کاملی به یک پیمان منطقه‌ای که چندان نیز در حیطه جغرافیایی خویش قرار ندارد، بسپارد. با این حال به نظر می رسد پیوستن ایران به شانگهای مزایایی کوتاه مدت برای ایران به دنبال دارد و این کشور را از دغدغه های امنیتی اخیر که پیرامون مسائل هسته‌ای ایجاد شده است در یک حاشیه امن قرار خواهد داد. اما در درازمدت نیز آیا شانگهای تامین کننده منافع ملی ایران خواهد بود؟ همان طور که پیشتر نیز ذکر شد ایران در جغرافیایی واقع شده که تلاقی شرق و غرب است و در صورتی که شانگهای بخواهد گسترش یابد و مشرق زمین را دربرگیرد ایران در منطقه‌ای قرار خواهد گرفت که حد وسط این دو برخورد خواهد بود. ایران در این شرایط نباید همه امکانات خود را در یک سو قرار دهد. به عبارتی دیگر در صورتی می تواند به طور کامل به شانگهای بپیوندد که سایر همسایگانش نیز چنین کنند یعنی کشورهای عربی خاورمیانه نیز به شانگهای بپیوندند و در نتیجه اصطلاح خاورمیانه را برچینند. اگر چنین اتفاقی روی دهد دیگر مفهومی به نام خاورمیانه نخواهیم داشت بلکه بار دیگر مفهوم شرق به عنوان یک مرکز یکپارچه در معادلات جدید نظام بین الملل چهره نمایی خواهد کرد.

اما از شواهد چنین برمی آید که اهداف شانگهای چندان نیز اهداف خارجی و اقتصادی نیست بلکه این سازمان درصدد است تا نیم نگاهی نیز به مسائل داخلی کشورهای عضو خود داشته باشد و به مقولاتی چون دموکراسی و حقوق بشر نیز بپردازد. ماه گذشته وزرای خارجه کشورهای عضو همکاری های شانگهای با پیش نویس طرح مکانیسم نظارت انتخاباتی موافقت کردند. بروز اشکالاتی در نظام های انتخاباتی کشورهای عضو این پیمان باعث شده تا این کشورها برای رفع این نواقص استانداردهای جدیدی را تعریف کرده و از کشورهای عضو بخواهند تا قوانین انتخاباتی خود را شفاف نمایند. در این پیش نویس همچنین بر اعزام ناظران سازمان به کشورهای عضو برای نظارت بر روند انتخابات تاکید شده است. این پیش نویس قرار است در نشست ۲۵ خرداد این سازمان در جمع سران مورد بحث قرار گیرد.

■ ایران، اکو و شانگهای

سازمان همکاری های اقتصادی اکو که سابقه‌ای از زمان جنگ سرد دارد و نسخه‌ای تعدیل شده از پیمان سنتو اما از منظری اقتصادی است همپوشانی بسیاری با شانگهای دارد. پس از پایان جنگ سرد و استقلال کشورهای آسیای میانه همه این کشورها به جز گرجستان به عضویت این سازمان اقتصادی درآمدند اما همین کشورها به اتفاق روسیه و چین در تاسیس سازمان شانگهای همکاری کردند. اکنون با در نظر گرفتن اعضای ناظر و اصلی سازمان شانگهای می توان گفت که همه اعضای اکو منهای ترکیه در عضویت این پیمان قرار دارند. در چنین شرایطی به نظر می رسد اگر عضویت ایران، پاکستان و افغانستان به شانگهای جدی باشد اکو در حاشیه قرار خواهد گرفت و این در حالی است که در حاشیه قرار گرفتن اکو به هر تقدیر به سود ایران نخواهد بود. از آنجا که اکو تاکنون نتوانسته است جایگاه مهم و تعیین کننده‌ای در میان اتحادهای مهم بین المللی بیابد به نظر می رسد با استقرار پیمان شانگهای و عضویت ترکیه در ناتو چیزی از این سازمان باقی نماند. به هر حال شاید فروپاشی اکو امری غیرقابل اجتناب باشد اما این امکان وجود دارد که اکو به واسطه‌ای میان ناتو و شانگهای تبدیل شود. ایران به لحاظ مرکزیت خویش در اکو می تواند نقش سازنده‌ای در مناسبات منطقه‌ای اخیر بازی کند. ایران با در نظر داشتن دو سوی جهان با تقویت اکو و پیشنهادی برای گسترش آن به جنوب به خوبی می تواند جایگاه مستحکمی را در نظام بین الملل به خود اختصاص دهد.

■ نتیجه

سفر احمدی نژاد به شانگهای نقطه عطفی در تعیین یک جایگاه جدید برای ایران در نظام بین الملل است. شواهد نشان می دهد که ایران تصمیم خود را برای پیوستن به شانگهای گرفته است اما بعید به نظر می رسد این انتخاب، انتخابی از سر حوصله باشد. با این حال هنوز هم فرصت برای مطالعه بیشتر درباره شانگهای وجود دارد اما به نظر می رسد راه صحیح این باشد که تصمیم برای پیوستن یا نپیوستن به سازمان شانگهای پس از حل مسئله هسته‌ای صورت گیرد. برخلاف آنچه که برخی پیشنهاد می کنند برای حل این مسئله بهتر است ایران به عضویت شانگهای پذیرفته شود و بدین ترتیب به ایران یک تضمین امنیتی سپرده شود.

هتل سوفیتل محل اقامت رئیس جمهور

موضوع هفته

قوانین فعلی زنان عین عدالت است

«ما موافق جنبش های فمینیستی در ایران نیستیم زیرا اگر ریشه ها، عملکرد و نتایج چنین جنبش هایی در دنیای امروز بررسی شود معلوم می شود که چرا با جنبش های فمینیستی مخالفیم.»

سخنان فوق اظهارات محمدتقی رهبر نماینده روحانی اصفهان در مجلس هفتم است که امامت موقت این شهر را هم بر عهده دارد. محمدتقی رهبر این سخنان را در واکنش به تجمع اخیر زنان در میدان هفت تیر تهران اعلام کرد و در عین حال بیان داشت برخی موارد مربوط به زنان که مورد اعتراض است و از اصول زیربنایی اسلام نباشد قابل تجدیدنظر است. با این وجود رهبر مخالفت خود را با جنبش های فمینیستی و یا تلاش برای تصویب کنوانسیون رفع تبعیض از زنان اعلام کرد و گفت: در مجلس ششم برای الحاق ایران به کنوانسیون بین المللی رفع تبعیض از زنان تلاش هایی به عمل آمد ولی به نتیجه نرسید زیرا علما مخالفت خود را نشان دادند. وی افزود: اخیراً زمزمه هایی برای پیوستن به این کنوانسیون بلند شد و خانم حقوقدانی هم این موضوع را مطرح کرد تا اینکه خانم طبیب زاده نوری رئیس مرکز زنان و خانواده اعلام کرد تا هستم نمی گذارم ایران به این کنوانسیون بپیوندد.

رهبر گفت: ما هم مخالف هستیم زیرا تاکنون از نظام حقوقی غرب خیری ندیده‌ایم که بعد از این ببینیم. وی افزود: ما نیازی به نظام حقوقی غرب نداریم و اگر به این کنوانسیون بپیوندیم به معنای پذیرفتن ضعف در قوانین حقوقی اسلام است. وی گفت: اسلام همه چیز از جمله حقوق زنان را به مقتضای عدل الهی در نظر گرفته و در حال حاضر هم هیچ کمبودی را احساس نمی کنیم. نماینده اصفهان در بخش دیگری از سخنان خود به ترسیم سیمای زن غربی پرداخت و افزود: ما از زن غربی چشم انداز خوبی نداریم ضمن اینکه در غرب به ویژه در آمریکا بیشترین شکنجه ها و اهانت ها به زنان اعمال می شود. رهبر افزود: آمار و ارقام این مسئله را نشان می دهد و آن را ثابت می کند. وی گفت: زن در دنیای غرب به ابزار تجاری و شهوانی تبدیل شده و بعد هم می گویند ما از حقوق زنان دفاع می کنیم. عضو فراکسیون اصولگرایان نظام حقوقی غرب درخصوص زنان را به باد انتقاد گرفت و گفت: رفتار و گفتار غرب درباره زنان با یکدیگر متناقض است و به همین دلیل کنوانسیون های مربوط به زنان هم که از طرف غربی ها تدوین شده مورد قبول ما نیست. وی گفت: تمام این مسائل خلاف مبانی اسلام است. رهبر درباره احتمال تجدیدنظر در برخی قوانین مربوط به زنان در نظام حقوقی ایران از جمله بحث حضانت، ارث و دیه گفت: برخی از این موارد که جزء مسائل حلال و حرام و زیربنایی اصول مسلم اسلام نباشد قابل تجدیدنظر است. وی بحث حضانت زنان را از جمله این موارد دانست و گفت: البته معلوم نیست همیشه زنان صلاحیت حضانت فرزندان را داشته باشند ولی می شود تجدیدنظری کرد تا در صورتی که مرد صلاحیت نداشت مثلاً معتاد بود، حضانت فرزندان به زن سپرده شود و البته عکس این قضیه هم صادق است. وی گفت: در مسئله‌ای مانند ارث هیچ گونه امکان تجدیدنظری وجود ندارد زیرا قرآن و احادیث آن را ذکر کرده‌اند. وی گفت: البته باید این مسئله را توجیه کرد و بگوییم چرا زن نصف مرد ارث می برد. نماینده اصفهان دلیل این امر را مسئولیت مرد در قبال معیشت خانواده ذکر کرد و گفت: اگر اسلام ارث زن را نصف مرد در نظر گرفته است از آن طرف هم تامین هزینه زندگی را کاملاً برعهده مرد گذاشته است. وی گفت: یعنی اینکه نوعی عدالت برقرار شده است. امام جمعه موقت اصفهان نتیجه گیری کرد در جایی که تغییر قوانین مربوط به زنان با احکام قطعی اسلام تضادی نداشته باشد امکان تجدیدنظر وجود دارد.

وی در بخشی دیگر از سخنانش به انتقاد از فمینیست ها پرداخت و گفت: زیبنده ما نیست از زن غربی الگوگیری کنیم یا همه چیز را یکسان نگاه کنیم زیرا گاهی حتی میدان دادن ها به زنان در نظام های غربی فراتر از حق او است. رهبر گفت: اگر فمینیسم را تحلیل کرده و نتایج آن را در غرب ببینیم دلایل مخالف ما کاملاً معلوم می شود.